

عبدالرشید اقبال

زندگی و زمانه عبّاس اقبال آشتیانی

تألیف: دکتر لیدا اندیشه
ترجمه جلال الدین افضل

مؤلف: عبدالرشید اقبال آشتیانی
مترجم: لیدا اندیشه
مترجم: جلال الدین افضل
مترجم: لیدا اندیشه
مترجم: جلال الدین افضل
مترجم: لیدا اندیشه
مترجم: جلال الدین افضل

ISBN: 978-600-6321-10-1



مترجم: لیدا اندیشه
مترجم: جلال الدین افضل

..... ۲۷۱

..... ۱۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

..... ۲۲۱

فهرست

پیشگفتار ۹

مقدمه ۱۱

پی‌نوشت‌های مقدمه ۲۲

فصل اول: ایران در نیمهٔ نخست قرن بیستم میلادی ۲۳

وقایعی که منجر به انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ شد ۲۴

از مشروطیت تا جنگ جهانی اول ۳۵

دوران رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۱ش) ۴۳

سال‌های آغازین حکومت محمدرضا پهلوی (۳۵-۱۳۲۰) ۵۴

جمع‌بندی ۶۲

پی‌نوشت‌های فصل اول ۶۷

فصل دوم: زندگی عباس اقبال ۷۷

آغاز زندگی و تحصیل ۷۷

اشتغال و سال‌های بعد زندگی ۸۴

شغل روزنامه‌نگاری اقبال ۹۸

دوستان و همکاران اقبال ۱۰۴

محمدعلی فروغی ۱۰۵

میرزا ابوالحسن فروغی ۱۰۶

محمدتقی بهار ۱۰۶

محمدعلی جمالزاده ۱۰۸

محمد قزوینی ۱۱۰

قاسم غنی ۱۱۵

پی‌نوشت‌های فصل دوم ۱۲۰

فصل سوم: آثار عباس اقبال ۱۲۷

نقش اقبال در پیشرفت تاریخ‌نگاری جدید ایران ۱۲۸

مؤلف: ...
 مترجم: ...
 ناشر: ...
 ISBN: 978-600-67211-10-1
 شابک: 978-600-67211-10-1
 قیمت: ...
 سال چاپ: ...
 مکان چاپ: ...

آثار تاریخی و ادبی اقبال ۱۳۷

تألیفات اقبال ۱۴۱

خاندان نویختی ۱۴۲

تاریخ مغول ۱۴۶

تاریخ مفصل ایران ۱۴۹

مطالعاتی دربارهٔ بحرین و سواحل خلیج فارس ۱۵۴

وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی ۱۵۶

میرزا تقی خان امیرکبیر ۱۵۹

کتاب‌های درسی نوشته‌شده توسط اقبال ۱۶۴

تصحیحات متون اقبال ۱۶۸

متون تاریخی ۱۶۸

المضاف الی بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان ۱۷۲

کلیات عبید زاکانی ۱۷۴

متون دینی ۱۷۷

ترجمه‌های اقبال ۱۷۷

انتشارات اقبال ۱۷۹

اشعار ۱۷۹

آثار منتشر نشدهٔ اقبال ۱۸۲

پی‌نوشت‌های فصل سوم ۱۸۳

فصل چهارم: اقبال و یادگار ۱۹۵

انتشار یادگار و اهداف آن ۱۹۵

آرمان‌های درهم‌شکسته ۱۹۹

دیدگاه اقبال دربارهٔ ایران ۲۰۲

اقبال و آزادی ۲۰۶

اقبال و وحدت ملی ۲۱۱

اقبال و غرب ۲۱۸

اقبال و آموزش ۲۲۴

اقبال و کتاب‌ها ۲۳۱

اقبال و مطبوعات ۲۳۳

اقبال و زبان فارسی ۲۳۴

اقبال و زبان عربی ۲۳۸

جمع‌بندی ۲۴۰

پی‌نوشت‌های فصل چهارم ۲۴۱

نتیجه‌گیری ۲۴۵

تصاویر ۲۶۵

منتخب کتابشناسی ۲۶۷

نمایه ۲۷۵

پیشگفتار

عباس اقبال آشتیانی یکی از مشهورترین روشنفکران ایرانی نیمهٔ اول قرن بیستم، تأثیر به‌سزایی بر نظام مدرن دانشگاهی ایران داشت. او نمایندهٔ گروه کوچکی از محققان ایرانی است که عالم سنتی، یعنی فرد تحصیل‌کرده را به محقق مدرنی ارتباط می‌دهد که در نظام جدید پژوهش تعلیم دیده است. این مطالعه بر کارها و عقاید و دورانی که اقبال در آن زندگی می‌کرد، متمرکز است. از میان مهمترین چهره‌های روشنفکری آن روزگار، اقبال به عنوان بهترین نمایندهٔ این گروه از محققان انتخاب شده است.

اقبال در سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۳۳۴ش / ۱۸۹۷ تا ۱۹۵۶م می‌زیست. این سال‌ها شامل دورانی از انقلاب مشروطهٔ ۱۲۸۵ش / ۱۹۰۶م تا سال‌های پس از جنگ جهانی دوم است. او ناظر دوران پرحادثه‌ای از تاریخ ایران بود. این دوران شامل جنبش مشروطیت، دو جنگ جهانی، تغییر خاندان حکومتی از قاجار به پهلوی، انتقال قدرت از یک پادشاه قدرتمند خودرأی (رضاشاه) به وارثش (محمدرضا شاه)، و جنبش ملی‌گرایی دکتر مصدق بود. این رویدادهای مهم روح حساس اقبال را که سخت به میهنش عشق می‌ورزید تحت تأثیر قرارداد.

این پژوهش با مقدمه‌ای شروع می‌شود که به طور کلی به تاریخ روشنفکری ایران و جایگاه اقبال در سنت روشنفکری ایران می‌پردازد. در فصل اول، عوامل تأثیر گذار بر روند تاریخ ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، به‌طور کلی مرور می‌شود.

فصل دوم به زندگی اقبال، سال‌های تأثیرگذار و پربار زندگی او، فعالیت‌های او در ایران و خارج، و دوستان و همکارانش که در بسیاری از ایده‌های فکری آن روزگار با او سهیم بودند، اختصاص دارد. در مورد تحولات نظام آموزشی ایران و روزنامه‌نگاری نیز بحث می‌شود؛ اقبال در هر دو زمینه بسیار فعال بود و جایگاه مهمی را داشت.

اقبال تأثیری دیرپا در تحول تاریخ‌نگاری ایران داشت. از این حیث، آثار او جزو اولین تلاش‌ها در ایران برای نوشتن تاریخ به روش علمی مدرن متأثر از مستشرقان محسوب می‌شود. کارهای او آغاز تحقیقات تاریخی - ادبی، توسط خود ایرانی‌هاست. در فصل سوم این پژوهش، سهم اقبال در زمینه تاریخ و ادبیات ایران و نقد این مطالب کاملاً توضیح داده می‌شوند و محتوای آن‌ها ارزیابی انتقادی می‌شوند.

فصل آخر این رساله به فعالیت روزنامه‌نگاری عباس اقبال و تحلیل عقاید بارز او در سرمقاله‌هایش در نشریه یادگار می‌پردازد. یادگار متعلق به اقبال اولین نشریه مهم تاریخی ایران بود که بین سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۸ منتشر می‌شد. در طول این پنج سال، اقبال اغلب به‌تنهایی مجله‌اش را می‌نوشت و برای ایرانیان تاریخ و میراث شکوهمندشان را فاش می‌کرد. اقبال در سرمقاله‌هایی که برای هر شماره می‌نوشت، دیدگاه‌های خود را درباره بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی روزگارش به‌وضوح ابراز می‌کرد.

در پایان این تحقیق، شخصیت و جایگاه اقبال در سنت روشنفکری ایران دوباره ارزیابی می‌شود تا ثابت شود در عین آنکه او کاملاً ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران داشت، به‌طور معنی‌دار قادر به پذیرش و سازگاری و استفاده از ایده‌های جهان مدرن بود.

مقدمه

تاریخ روشنفکری ایران معاصر هنوز نوشته نشده و نقش متفکران مدرن ایرانی در رشد و پیشرفت فرایندهای مختلف تفکر، به‌خصوص در آخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی، اصلاً مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است. نویسندگان مدرن ایرانی و غربی در نوشته‌هایشان درباره شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و مذهبی تاریخ معاصر ایران، به این موضوع اشاره کرده‌اند. اما می‌توان مطمئن بود هیچ کس اختصاصاً به موضوع مهم تاریخ روشنفکری ایران در دوران معاصر نپرداخته است. (۱)

مطالعه حاضر درباره عباس اقبال آشتیانی (۱۳۳۴-۱۲۷۵) روشنفکر معاصر ایرانی است. هدف این مطالعه پرکردن شکاف کوچکی در موضوع گسترده تاریخ روشنفکری ایران معاصر است. امید می‌رود که با مطالعه زندگی، زمانه و آثار او، دریچه‌ای به کلیت موضوع تاریخ روشنفکری ایران گشوده شود و با تحقیقات بعدی این تصویر کامل شود. ابتدا باید تأکید کرد که دانش ما از تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ایران معاصر به‌رغم گستردگی‌اش، بدون توجه به روشنفکران و متفکرانی مانند عباس اقبال ناقص خواهد بود. امثال اقبال کسانی هستند که ضمن تفکر درباره

جنبه‌های مختلف تاریخ کشورشان تلاش کردند در نوشته‌هایشان مراحل روشنفکری زمان خود را تحلیل کنند.

شاید ذکر این مطلب نیز لازم باشد که پرداختن به تاریخ روشنفکری ایران در دوران معاصر کار آسانی نیست؛ هیچ الگویی برای پیروی وجود ندارد و عرصه تحقیق بسیار باز، و موضوع اساساً بکر است. درحقیقت اگر دوران‌هایی از تاریخ ایران نیز از این نظر بررسی شده باشند، بسیار کم هستند؛ برای مثال تحقیقات درباره زندگی روشفکرانه در دوره نسبتاً طولانی قاجار در قرن نوزدهم انجام نگرفته است و در مورد دوران طولانی‌تر صفویه (۹۰۵ تا ۱۱۴۸ قمری)، که در آن مذهب شیعه «دین رسمی» ایران تعیین شد و ایران وجهه تاریخی متفاوتی یافت، نیز چنین است. مطالعات از چشم‌انداز تاریخ روشنفکری در دوران‌های قبل‌تر تاریخ ایران، یعنی زمانی که ایران هنوز کم‌وبیش بخشی از جهان بزرگ اسلام بود، از این هم ناقص‌تر است. ادبیات فارسی، به‌خصوص شعر، موضوع مطالعات گسترده‌ای بوده و توجهی درخور به شاعران پارسی به‌عنوان نمایندگان یک سنت بزرگ روشنفکری شده است. اما به نظر می‌رسد به طور کلی مطالعه درباره شاعران پارسی به دستاوردهای ادبی و هنری آن‌ها محدود بوده و به جایگاه آن‌ها به‌عنوان «سخنگویان» جامعه در دوران‌های مختلف تاریخ ایران بی‌توجهی شده است.

کمبود مطالعات روشنفکری در تاریخ تنها محدود به کشور ایران نیست؛ وضعیتی کمابیش مشابه در مورد همسایگان عرب و ترک ایران نیز وجود دارد. این حرف را شاید بتوان درباره دیگر گروه‌های قومی خاورمیانه هم زد. در حقیقت، به نظر می‌رسد جای خالی تاریخ فکری کل جهان اسلام (پس از دوره بزرگ کلاسیک اسلام در سده‌های میانه)، به جز موارد معدودی از مطالعات پراکنده در تحولات خاص مذهبی، همچنان خالی خواهد ماند؛ اما حتی با اینکه مطمئناً یک جنبه اصلی تاریخ فکر به اولین دوره‌های اسلام برمی‌گردد، مطالعات دینی به‌کلی به مباحث کلامی محدود شده‌اند و تا این

اواخر سروکاری با جریان‌های روشنفکری بنیادی مؤثر بر زندگی و دیدگاه مردم در جامعه‌ای همیشه در حال تغییر نداشته‌اند. (۲)

بنابراین، جدای از مطالعات هنری درباره شاعران ایرانی و مطالعات کلامی خشک برای درک برخی جنبش‌های مذهبی، با کمی اغراق می‌توان به‌کلی منکر وجود تاریخ روشنفکری ایران شد. همچنین اضافه کردن این نکته مبالغه نیست که افرادی که در نوشتن تاریخ ایران شرکت داشته‌اند - مورخان و دانشمندان علوم اجتماعی و دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان و مانند آن - در برخورد با موضوعات مورد علاقه‌شان توجه بسیار کمی به عنصر روشنفکری داشته و دارند. از آنجا که این تحقیق در مورد یک «روشنفکر» ایرانی است، برای درک این بیان نسبتاً کلی، بدون تردید توضیح مختصری درباره مفهوم «آیین روشنفکری» در تاریخ ضروری است.

چند تعریف از یک لغت‌نامه استاندارد مانند فرهنگ دانشگاهی جدید وبستر^۱ ۱۹۸۰ به روشن شدن موضوع کمک خواهد کرد. کلمه «روشنفکری» در این واژه‌نامه به صورت‌های زیر تعریف می‌شود:

روشنفکری چیزی است:

«برگرفته از عقل، یا مرتبط با آن و کاربردهای آن»؛

«که بیش از بهره‌گیری از احساسات یا تجربیات، توسط عقل توسعه یافته

یا به‌خصوص هدایت شده است: عقلانی»؛

«اعتیاد به مطالعه، تأمل و تعمق»؛

و در نهایت: «وابسته به فعالیتی که نیازمند استفاده خلاقانه از عقل است».

واژه «عقل» نیز در همان منبع به صورت:

«قدرت درک به‌طوری که از احساس و تمایل متمایز است»؛

1. Webster's New Collegiate Dictionary, 1980.